



۲۰۱۳/۱۰/۰۸

داکتر سید عبدالله کاظم

مکتی کوتاه بر نوشته آقای بصیر دهراد

نوشته آقای دهراد تحت عنوان «تذکری چند در باره لیست کشته شدگان ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹» قابل تأمل و در خور توجه است که به حیث یک «فعال حقوق پناهندگان افغان در هالند» از مسائلی یاد آور می شوند که بعضی نکات آن ایجاب توضیح مزید را می کند. امید است جناب ایشان لطف فرموده به برخی از این موضوعات روشنی بیشتر اندازند تا خواننده از عمق مسائل آگاه شود:

۱ - ایشان مدعی شده اند که: «تعدادی از قربانیان سیاست های تبعیضی ۱ - اف در همین سال های ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ چه در ادارات تحقیق و چه در زندان ها شکنجه شده و ماه ها بدون تعیین سرنوشت و یک پروسه غیر عدالت مندانه بسر برده اند و اکنون یکبار دیگر با سیات تبعیضی دستگاه های هالندی خورد و خمیر می گردند...».

اکنون سؤال می شود که آیا مقامات هالندی افغان های متهم را مورد شکنجه قرار داده است و آنها به چه اشکال؟ اینکه چرا دستگاه های هالندی «سیاست تبعیضی» را در ارتباط با بعضی از افغانها در پیش گرفته اند، انگیزه و علل آن چه خواهد بود؟

۲ - آقای دهراد نوشته اند که: «توقع ما از پروژه عدالت انتقالی و پولیس دستگاه های ذریبط هالندی در این پروژه مشترک شان این خواهد بود که پروسه های حقوقی نباید تحت تأثیر دیدگاه های سیاسی و هنوز تحت جو سیاست جنگ سرد و تضاد های عمیق ایدئولوژیک سال های دهه ۵۰ و ادامه خشن آن در سالهای بعدی در افغانستان، قرار داده شود و به عوض یک پروسه عدالت مندانه، صرفاً عقده مندی ها عدالت را بحیث ابزار گروهی قرار دهد».

با آنکه متن فوق را چند بار خواندم، ولی مقصد را چندان نفهمیدم. ممکن است آقای دهراد لطف فرموده در زمینه توضیح بیشتر بدهند تا خواننده «کند ذهن» مثل من به اصل مطلب برسد.

۳ - با دهراد صاحب کاملاً موافق هستم که: «جرم در برابر انسان است، نه تفاوت بین این انسان و آن انسان» و اینکه گفته اند: «در یک بررسی بر مبنای حقوق بشر و جرایم ضد بشری باید آن جرایم که از طرف نیروهای در جنگ مستقیم و غیر مستقیم برضد دولت وقت مرتکب جرایم شدید جنگی شده اند، نیز قابل بررسی و محاسبه باشند»، یقیناً هرگاه اسناد و شواهدی در زمینه ارائه شوند، موضوع نیز قابل تعقیب و پرسش می باشد. مسلم است که لیست منتشره نباید اول و آخر کار باشد و اما انتشار این لیست با وجود نواقص می تواند سرآغاز یک پروسه دوامدار باشد که قدم بقدم شامل حال همه جنایات بعدی در طول سه دهه گذشته گردد. با این امید اکنون وظیفه هر افغان است تا در این راه همکاری نماید و صادقانه شهادت ابراز حقایق را داشته باشد.

۴ - جای شک نیست که لیست منتشره قسمتی از لیست ۱۲ هزار نفری سال ۱۹۷۹ می باشد، ولی اینکه چرا قسمت دیگر آن به نشر نرسیده است، میتوان از مراجع هالندی پرسید و در باره چگونگی دسترسی به آن خواهان معلومات بیشتر گردید. به نظر من دریافت این لیست از نزد گویا یک خانم ۹۳ ساله که پروفیسور آرماکورا به او آنرا داده باشد، چندان قرین به واقعیت معلوم نمی شود. احتمال دارد این لیست غیر مستقیم توسط عناصر پرچمی که بعد از امین به قدرت رسیده اند، در اختیار مرجع هالندی قرار داده شده باشد. امید است دهراد صاحب در صورت امکان معلومات بیشتر در زمینه ارائه دارند.

گمان نمی رود که مقامات هالندی در صورت دستیابی به لیست ۱۲ هزار نفری در صدد کوتاه ساختن لیست برآمده باشند. برعکس اگر لیست مکمل را در اختیار می داشتند، حتماً به نشر آن اقدام می کردند و با اینکار به ارزش بیشتر تحقیق خود می افزودند.

۵ - تاجائیکه با نام بسیاری از شهدای واقعه چنداول آشنائی دارم، اسم اغلب شانرا در اخیر لیست یافتم و نیز دو روز قبل محفل بزرگ اتحاد دعا و بزرگداشت از جانب برادران اهل تشیع ما در شمال کالیفورنیا دائر گردیده بود که ضمن نمایش عکس های شهدا از نام کسانیکه در آن واقعه جام شهادت نوشیده بودند، یادآوری شد.

۶ - بازداشت و کشتار یکده طرفداران به گفته آقای دهبزاد «شاد روان!!» نور محمد تره کی اصلاً شامل لیست ۱۲ هزار نفری نبود و یادآوری از آن نیز در این لیست مطرح نمی شد، زیرا تأریخ ختم لیست همانا پایان دوره تره کی بوده است.

۷ - آنچه در این لیست بنام «اشرافی» تذکر رفته است، مقصد وابستگان جناح پرچم بود که رژیم تره کی - امین بعد از کنار زدن پرچمی ها از قدرت بطور سیستماتیک و مرموز به محور رده های پایان پرچم بخصوص طبقه جوانان به شدت مبادرت ورزیدند و تعدادی بسیار کم آنها درج لیست منتشره گردیده اند.

۸ - در باره مرحوم غلام محمد فرهاد باید عرض کنم که وقتی ما در اثر عفو نام نهاد عمومی در ماه جنوری ۱۹۷۹ از زندان پلچرخي رها شدیم، در همان روز همه زندانیان بلاک اول سیاسی را به بلاک دوم بردند. من وقتی مرحوم پایا فرهاد را با همان کلاه شاپوی فرسوده و پطلون و لباس ژولیده در صف رها شدگان دیدم، نزد شان رفتم و عرض سلام کردم. ایشان به سلام من نخست توجه نفرمودند، وقتی خود را معرفی کردم، فوراً از احوال پدرم که دوست قدیمی او بود، جويا شد. بهر حال همه باهم همان روز زندان را ترک کردیم و به اصطلاح آزاد شدیم. بعدها هنگامیکه در مهاجرت بودم از وفات ایشان البته به مرگ طبیعی اطلاع حاصل کردم. از این معلوم می شود که جناب دهبزاد صاحب در پلچرخي در بلاک اول و دوم زندانی نبوده اند، در غیر آن در بلاک اول این کمپنه با ایشان معرفت پیدا می کرد و در بلاک دوم خود شخصاً می توانستند جناب فرهاد صاحب را ببینند. در بلاک اول مرحوم قدرت الله حداد، برادر مرحوم پایا به ما زندانی بودند.

۹ - نام کسانیکه بعد از سقوط امین کشته و یا به زندان پلچرخي آورده شدند، همه در رسانه ها به نشر رسیده است. باید علاوه کرد که ماهنوز در زندان بودیم که فردای سقوط امین عده ای از شخصیت های طرفدار او را به وسیله موترهای زره دار نظامی به بلاک اول پلچرخي آوردند و دهلیز شرقی منزل اول را فوری تخلیه و همه را در اتاقهای آن دهلیز جابجا کردند و تا وقتی ما آنجا بودیم، به آنها اجازه بیرون شدن از اتاقها داده نشد.

۱۰ - از اقدام آقای دهبزاد مبنی بر تشکیل یک کمیته خاص به مقصد جمع آوری متباقی نام های قربانیان آن سال ها و حتی بعد از آن جداً حمایت می کنم و آنرا یک کار مهم می دانم و نیز از فامیل های محترم که عزیزان شانرا چه در آن حوادث و چه بعد از آن از دست داده اند، التماس میدارم که با رسانه ها و مراجع جمع آوری معلومات به تماس شوند و اطلاعات لازم را در اختیار آنها قرار دهند تا بدینوسیله قدم های اول در راستای تحقق عدالت انتقالی در کشور گذاشته شود.

پایان